

دوتایی‌های قرآنی و فرضیه ویرایش متأخر قرآن رسمی: معرفی و نقد فرضیه گابریل رینولدز

زهرا اخوان صراف *

DOI: 10.22096/rc.2021.243662

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۷]

چکیده

قرآن‌پژوهان غیرباورمند، از دیرباز کیفیت تدوین و رسمی‌سازی قرآن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. گابریل سعید رینولدز، استادیار مطالعات اسلامی و الهیات دانشگاه نوتردام آمریکا، در فرضیه اخیر خود با تعمیم روش‌های تحقیق مدرن در عهد جدید بر قرآن، و تمرکز بر دوتایی‌ها یا عبارات تکرارشونده قرآن، مصحف فعلی را محصول ویراستاری متأخر متن مکتوبی می‌داند که از دو مکتوب پیشینی مکی و مدنی فراهم آمده است. نوشتار حاضر که پی‌آمد بررسی یک مقاله طولانی، دو سخنرانی و بحث و گفتگو و مجموعه مکاتباتی علمی با این محقق است، پس از شرح فرضیه و روش کار او، ضمن آشکار کردن خطاهای روشی رینولدز و عدول وی از معیارهای علمی خودش، اعتبار علمی ایده وی را مخدوش کرده، سپس پیش‌فرض‌ها، مبانی و محتوای این دیدگاه را با طرح قیاس ناپذیری قرآن با عهد جدید و در نتیجه عقیم بودن تعمیم روش‌های تحقیقی عهد جدید بر قرآن، اصیل و تعمدی بودن تکرار در اسلوب بیانی قرآن، خواندنی و شفاهی بودن قرآن و انتقال آن بر بستر نقل سینه به سینه و از طریق قرائات اجازه‌دار، آشکار کردن آسیب‌هایی که غفلت از دیدگاه‌های قرآن‌شناسان مسلمان در علمیت طرح ایجاد کرده و نیز بیان نادرستی شواهد به خاطر سوء فهم‌های تفسیری، به شکل آکادمیک زیر سؤال برده، ضرورت جدی بازبینی آن را آشکار می‌کند.

واژگان کلیدی: دوتایی‌های قرآن؛ رسمی‌سازی قرآن؛ منبع مکی؛ منبع مدنی؛ گابریل رینولدز؛ مستشرقان و قرآن؛ ویرایش قرآن.

مقدمه

مطالعات گابریل سعید رینولدز بر روی ادیان، کلیسای جهانی، تاریخ مسیحیت، مطالعات قرآنی، ریشه‌های اسلام و روابط مسلمانان و مسیحیان متمرکز است. وی دکتری خود را در رشته مطالعات اسلامی از دانشگاه ییل گرفته و هم‌اکنون مدیر انجمن بین‌المللی مطالعات قرآنی (IQSA) است. او در پروژه‌های مطالعات قرآنی متعددی (از جمله ویراستاری «قرآن در بافت تاریخی خود»، ۲۰۰۸) مشارکت داشته، آخرین کتاب‌های او «قرآن و کتاب مقدس: متن و شرح» (در حال ترجمه به فارسی)، ۲۰۱۸ و کتاب «الله: خدا در قرآن»، ۲۰۲۰ هستند. مورد اخیر رساله‌ای است علمی درباره مفهوم خداوند در اسلام و ویژگی‌های متمایز آن در الهیات اسلامی، به همراه مقایسه‌ای بین تصویرسازی خدای ابراهیمی در کتاب مقدس و قرآن. رینولدز در تازه‌ترین شماره نشریه انجمن بین‌المللی مطالعات قرآنی - که خود مدیریت آن را بر عهده دارد-، مقاله‌ای با عنوان «دوتایی‌های قرآنی: تحقیقی مقدماتی» منتشر کرده است که در آن به بررسی عبارت‌های تکرارشونده یا «دوتایی‌ها» در قرآن پرداخته است (Reynolds, 2020).

وی همین عنوان را ابتدا در یک سخنرانی^۱ و سپس در شصت‌وششمین نشست انجمن مباحثات قرآنی که در سی‌ام تیرماه سال ۱۴۰۰ شمسی (۲۱ جولای ۲۰۲۱ میلادی) با همکاری دانشگاه مفید قم برگزار گردید، ارائه نمود.^۲

در این مقاله، نگارنده پس از معرفی کار رینولدز، نشان می‌دهد که پژوهش وی هم از نگاه درونی دچار اشکال است هم از منظر بیرونی، ملاحظات متعدد به آن وارد است. فرضیه پژوهش حاضر این است که این تحقیقات گابریل رینولدز نمی‌تواند اثبات کند که کتاب مقدس مسلمانان متأخر از دو مکتوب پیشینی که یکی مکی و دیگری مدنی است گردآوری شده و ویراستاران متأخر در محصول نهایی دست برده‌اند.

پس پرسش اصلی این است که آیا پژوهش رینولدز به وجهی آکادمیک می‌تواند ثابت کند قرآن فعلی محصول ویراستاری پسینی مکتوبی است که بر دو مکتوب مکی و مدنی پیشینی مبتنی است؟

1. Reynolds, Gabriel Said. What might doublets in the Qur'an tell us about the origins of the Text? The Institute for Advanced Studies in Levant Culture and Civilization Centre of Excellence of the World Academy of Art & Science. 24 February 2021.

۲. پس از سخنرانی رینولدز، منتقدان از داخل و خارج کشور به نقد جدی مطالب وی پرداختند. رینولدز به برخی از این انتقادات پاسخ گفت. مکاتباتی برای نقض‌های جدول او که به شدت تحقیقاتش را تحت الشعاع قرار می‌داد به او گوشزد شد که گفت باید به طرح بیشتر فکر کند.

دوتایی‌های قرآنی و فرضیه ویرایش متأخر قرآن رسمی... / اخوان صراف ۱۶۷

ضرورت توجه خاص به این قبیل پژوهش‌های محققان غربی معاصر، برای قرآن‌پژوهان مسلمان از یک سو زمینه تعامل علمی سازنده و استفاده از روش‌های نوین آن‌ها را - در صورت وجود- فراهم می‌کند و از سوی دیگر حد و میزان علمی بودن تحقیقات استشرافی در دوره معاصر را نشان می‌دهد. افزون بر این، تحقیق رینولدز به‌طور ویژه مدعی است که اصالت قرآن فعلی را مخدوش می‌کند و از این نظر اهمیت خاص دارد.

پژوهش رینولدز از نظر پیشینه، مسبق به بحث‌های دامنه‌دار در جمع و تدوین و تاریخ‌نگاری قرآن است که از دیرباز محل بحث خاورپژوهان بوده است. تودور نولدکه (۱۸۳۶-۱۹۳۰) در کتاب «تاریخ قرآن» دیدگاه جمهور مسلمانان در جمع و تدوین قرآن در عصر خلفا را پذیرفته است. برای اولین بار پل کازانوا (۱۸۶۱-۱۹۲۶) در «محمد و پایان جهان در باور اصیل اسلامی» این ادعا را مطرح کرده که قرآن پیش از خلافت عبدالملک اموی جمع و انتشار رسمی نیافته است. آلفوس مینگانا (۱۸۷۸-۱۹۳۷)، در مقاله «نقل قرآن» و پاتریشیا کرونه و مایکل کوک در کتاب مشترک «هاجریسیم: تکوین جهان اسلام» نیز همین دیدگاه را پذیرفته‌اند. استاد این دو، جان ونزبرو (۱۹۲۸-۲۰۰۲) نیز در اثر خود به نام «مطالعات قرآنی»، مربوط بودن نسخه رسمی قرآن به قبل از قرن سوم هجری را غیرممکن می‌داند. اما جان برتن (۱۹۲۹-۱۹۸۲) در «جمع و تدوین قرآن» معتقد بود که قرآن به شکل معروف امروزی‌اش را خود پیامبر بر جای گذاشته است. او، کرونه و کوک هرچند به نتایج متفاوتی رسیده‌اند، اما هر سه خود را وام‌دار ونزبرو می‌دانند و در مقدمه اثر خود به این امر اذعان می‌کنند.^۱ هارولد موتسکی نیز در مقاله بلند «جمع و تدوین قرآن؛ بازنگری دیدگاه‌های غربی در پرتو تحولات جدید روش‌شناختی»، پذیرفته است که اخبار و گزارش‌های مسلمانان نسبت به زمانی که محققان غربی تاکنون فرض کرده‌اند، بسیار قدیمی‌تر و به زمان وقایع ادعا شده نزدیک‌ترند.^۲ کتاب «قرآن و مورخان»^۳ با نظارت محمدعلی امیرمعزی و گیوم دی، با عبور از الگوی نولدکه در تاریخ قرآن، می‌کوشد نشان دهد مصحف موجود در زمان عبدالملک اموی تألیف و رسمی‌سازی شده و مرکب از سه جزء با اعتبار و منشأ متفاوت است. آن سیلوی بوالیو نیز در مقاله «قرآن به مثابه متن و تفسیر: پارادایمی نو برای قرآن‌پژوهی»^۴ متکی بر ادعای آنجیلیکا نیورت مبنی بر وجود بخش‌هایی تفسیری در درون متن قرآن، می‌کوشد قرآن را متنی دولایه معرفی کند. او می‌گوید تفسیرهای درون‌متنی در واقع اکنون جزئی از خود متن قرآن است، اعم از اینکه پدیدآورنده اصلی قرآن (پیامبر)

۱. نک: گراهام، ترجمه کریمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۲۰-۲۲۱.

۲. نک: موتسکی، ترجمه کریمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۶۱-۲۷۰.

3. Amir-Moezzi, Mohammad Ali; Dye, Guillaume. *Le Coran des historiens*, 2019.

4. Anne-Sylvie Boisliveau (2020), p.7.

آن‌ها را گفته باشد یا دیگران بعدها آن متون را به قرآن افزوده باشند. تحقیق رینولدز با اکثر کسانی که از رسمی سازی قرآن سخن گفته‌اند، از این نظر که بحث او از داخل متن قرآن است، با سایر تحقیقاتی که متکی بر یافته‌های باستان‌شناسی و تاریخ مادی است، فرق دارد.

مسئله تکرار در قرآن، توجه محققان دیگری غیر از رینولدز را هم جلب کرده است. گیوم دی در یک سخنرانی با عنوان (Le Coran et le problem synoptique) به این موضوع پرداخته است.^۱ مجید سلیمانی در نوشتار «تکرارها و ویرایش‌های داستان آفرینش در قرآن» به این سخنرانی اشاره می‌کند و با مقایسه حکایت خلقت آدم و سجده ملائک از دو سوره صاد و حجر، تکرارهای این دو سوره را غیرتصادفی می‌داند که یا منبع یکسان دارند یا متن دوم از متن اول -که مکتوب بوده- بازنویسی شده و متن دوم به متنی که سابقاً منتشر و رایج شده، افزوده شده است.

در سوی مقابل، قرآن‌پژوهان مسلمان نیز پژوهش‌هایی آکادمیک برای نقد و بررسی تحقیقات پیش‌گفته سامان داده و از این رهگذر کتب و مقالات بسیار فراهم آمده است. شاید مقاله نگارنده با عنوان «آسیب‌شناسی مطالعات قرآنی خاورشناسان» نیز از جمله پیشتازان در این زمینه باشد که در آن، به برخی از آسیب‌های همین پژوهش مورد بحث مثل عدم مراجعه به اقوال مسلمین، سوء فهم از آیات و مقایسه با کتاب مقدس پرداخته شده است. پایان‌نامه نسبی بهجت در «نقد و بررسی آراء خاورشناسان پیرامون جمع و تدوین قرآن کریم»، مقاله «نقد نظر ونزبرو درباره تدوین قرآن در قرن سوم» اثر نوروز امینی و «بررسی دیدگاه خاورشناسان پیرامون مصادر قرآن» اثر علی اکبر ربیع‌نتاج، نمونه‌هایی دیگر از آثار فارسی در این باره است. آثار منتقدانه این حوزه در جهان عربی نیز بسیار متنوع و ارزشمند و در پژوهش‌نامه‌های معتبر منعکس است.

وجه امتیاز نقد و بررسی حاضر علاوه بر تازه بودن دیدگاه رینولدز، مبتنی بودن آن بر تبادل علمی مستقیم و طرفینی است. هر چند ابهام شروط رینولدز حتی از نظر خود او و نیز عدم وضوح در تمام ارائه‌های گفتاری و نوشتاری و حک و اصلاح‌های مکرر وی از جمله معضلاتی بود که انجام این پژوهش را طولانی و دشوار نمود.

نوشتار پیش‌رو پس از مقدمه، در قسمت اول به شرح کار تحقیقی رینولدز می‌پردازد. در قسمت دوم با ریز شدن در نمونه آیات مورد مطالعه وی، طرح او را از حیث روشی اعتبارسنجی کرده، سپس اعتبار پیش‌فرض‌ها، مبانی و محتوای تحقیق وی را بررسی می‌کند و در پایان نتایج و آثار تحقیق را گزارش می‌نماید.

1. Dye, Guillaume (2020).

گفتار اول: گزارش پژوهش رینولدز

رینولدز با مطالعه در عبارات تکرارشونده دارای شرایط خاص در قرآن، فرضیه‌ای در فرآیند «تدوین و رسمی‌سازی» قرآن طرح می‌کند که در پی اثبات وجود زیربیکره‌های نوشتاری جداگانه مکی و مدنی پیش از تدوین رسمی قرآن است که متن موجود از روی آن‌ها نوشته شده است.

پژوهش مورد بحث مبتنی بر روش‌هایی است که بیش از دو سده است برای پژوهش بر روی دوتایی‌های موجود در انجیل‌های نظیر (یعنی انجیل مّتی، مرقّس، و لوقا) تکوین و توسعه یافته‌اند. افزون بر بررسی دوتایی‌های موجود در هر یک از انجیل‌ها، پژوهشگران به بررسی تناظرهای موجود میان انجیل‌های نظیر نیز توجه داشته‌اند. این بررسی‌ها بر روی انجیل‌ها با استفاده از روش‌های «نقادی منابع» (source criticism) پژوهشگران را به «فرضیه دو منبعی» رسانده است که در آن ادعا می‌شود انجیل‌های مّتی و لوقا با تکیه بر مطالب موجود در دو منبع متقدم دیگر، یعنی انجیل مرقّس و منبع دیگری موسوم به منبع «کیو» (Q)، - ناظر به واژه آلمانی «کُیل» (Quelle) به معنای «منبع»- نگاشته شده‌اند. خلاصه آنکه تکرارها و شباهت‌های انکارناپذیر عبارت‌های موجود در انجیل‌ها، واقعاً معلول سخنان عیسی در موقعیت‌های متفاوت نیستند؛ بلکه برآمده از ویرایش‌های متأخرتر هستند که نشان‌دهنده رونویسی و ویرایش منابع متقدم‌تر است. بر این اساس، ادعا می‌شود که قرآن نیز در فرآیند تدوین و رسمی‌شدن، دست‌کم بر دو منبع مکتوب اصلی و مستقل از هم تکیه داشته است: منبعی مکی و منبعی مدنی. وی مدعی است که دوتایی‌های قرآن خیلی پیش از دوتایی‌های انجیل است و به‌طور سیستماتیک مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است.

رینولدز عباراتی از قرآن کریم را مورد مطالعه قرار داده است که نتیجه در مورد قرآن هم، تأیید همان فرضیه دو منبعی مطرح در مورد کتاب مقدس باشد. بدین‌سان متن قرآن، ویراست پسینی دو منبع مستقل مکی و مدنی پیشینی خواهد بود که بعد از پیامبر (ص) پدید آمده است. از نظر او شاهد این فرضیه عبارات تکرار شونده طولانی است که در عمده موارد هر دو مکی یا مدنی هستند.

بر اساس تحقیقات رینولدز، با چنین معیاری، در قرآن ۲۹ دوتایی (doublet) یا سه‌تایی موجود است، که جز ۳ مورد، بقیه هر دو (سه) مکی یا مدنی هستند. او با کنار گذاشتن این سه مورد که تقریباً ۱۰ درصد موارد (و به نظر او ناچیز) است نتیجه می‌گیرد که: قرآن رسمی از دو نسخه مکی و مدنی فراهم آمده و تکرارها توسط ویراستاران متأخر از محمد انجام شده است؛ چون طول این موارد بیشتر از آن است که بتوان آن‌ها را «قالب‌بندی زبانی» (formula) یا عبارات شفاهی متداول محسوب کرد. نیز موارد مکی-مدنی آن‌ها ناچیز است؛ پس این گزینه که خود محمد آن‌ها را تکرار کرده باشد از میان می‌رود؛ چون تکرارهای او قاعدتاً نباید به دوران مکی یا مدنی منحصر باشد.

رینولدز با کنار گذاشتن عبارات تکرار شونده‌ای مثل «فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي» و «وَلَقَدْ يَسْرُونَا الْقُرْآنَ لِذِكْرِهِمْ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» در سوره قمر؛ یا «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» در سوره الرحمن؛ یا «وَيُلِيَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» در سوره مرسلات، که به نظر او مثل ترجیع‌بندها در مزامیر، محصول سبک ادبی آن بخش از متن قرآن هستند، دوتایی‌ها را بر اساس معیاری که ارائه داده، گرد آورده است. او چنانکه خود گفته است، معیار را طوری انتخاب کرده که به انتقال کتبی قرآن برسد تا پاسخی به اندیشه دانشمندانی مثل بنیستر بدهد که مثل باورمندان به قرآن، به انتقال شفاهی قرآن اعتقاد دارند (Reynolds, 2020: 14).

وی سپس این ۲۹ دوتایی را با استفاده از نظریه تئودور نولدکه در ترتیب زمانی سوره‌های قرآن و مکی و مدنی بودن آن‌ها، به دوتایی‌های مکی-مکی (۱۴ مورد)، مدنی-مدنی (۱۲ مورد)، و مکی-مدنی (۳ مورد) تقسیم می‌کند. نمونه مکی-مکی این دوتایی‌ها الانعام: ۱۰ و الانبیاء: ۴۱، و نمونه مدنی-مدنی آن‌ها البقره: ۶۲ و المائده: ۶۹ و نمونه مکی-مدنی النحل: ۱۱۵ و البقره: ۱۷۳ است.

رینولدز سه رویکرد متفاوت دانشمندان را در راستای توجیه دوتایی‌های کتاب مقدس معرفی می‌کند (Reynolds, 2020: 25). به گفته وی: «تا ابتدای قرن نوزده، بیشتر دانشمندان بر این باور بودند که دلیل تکرارهای موجود در کتاب مقدس این است که انجیل نویسن معتقد بوده حضرت مسیح امر واحدی را در دو موقعیت متفاوت بیان کرده یا انجام داده است. این رویکرد را فرانس نایرینک (Frans Neirynek) رویکرد هارمونیک (Harmonistic) نامیده است. البته بر اساس آثار کریستن وایسه (Christian Weisse) که معتقد بود انجیل نویسان با دو منبع سر و کار داشته‌اند، به مرور زمان نظرات دانشمندان نیز تغییر کرد. بنابر رویکرد منبعی (Source)، وقتی انجیل نویسان با مطلبی در منبع آبرخورد می‌کردند و همان مطلب را در زمینه-ای متفاوت در منبع ب نیز مشاهده می‌کردند، متن را از هر دو منبع آ و ب نقل کرده‌اند و اینگونه، دوتایی به وجود آمده است. بنابراین دانشمندان نتیجه گرفتند که بسیاری از دوتایی‌های مشترک بین اناجیل متی و لوقا، نشان‌دهنده منابع دوگانه یعنی مرقس و Q هستند. وایسه علاوه بر

۱. وَ لَقَدْ اسْتَهْرَىٰ بَرْسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالذِّينِ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ
۲. وَ لَقَدْ اسْتَهْرَىٰ بَرْسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالذِّينِ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ
۳. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغِينَ مِنَ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا
۴. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغِينَ وَالصَّابِغُونَ مِنَ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا
۵. إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أَهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ
۶. إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أَهْلَ بِهِ لَغَيْرِ اللَّهِ

دوتایی‌های قرآنی و فرضیه ویرایش متأخر قرآن رسمی... / اخوان صراف ۱۷۱

رویکرد هارمونیک، به احتمال ویرایشی (Redactional) بودن این دوتایی‌ها نیز توجه کرد. در رویکرد ویرایشی، انجیل‌نویس تنها یک منبع داشته، اما تصمیم گرفته که گفتار یا متنی یکسان را در دو زمینه روایی متفاوت بکارگیرد. بنابراین دوتایی‌های روایی در انجیل متی ویرایشی تلقی می‌شوند، چرا که یکی از منابع دوگانه این انجیل، یعنی Q، منحصرأ در بردارنده گفتارها دانسته می‌شود.»

رنولدز به دنبال آن است تا همین سه دیدگاه را برای یافتن سبب تکرارهای قرآن نیز بیازماید، گرچه تصریح دارد که واقعیت ممکن است ترکیبی از بیش از یک مورد از موارد سه‌گانه باشد. خلاصه بحث او در این آزمون را می‌توان چنین گزارش کرد:

۱- خود محمد آن‌ها را تکرار کرده باشد: وی با اشاره به نگاه سنتی مسیحی، آن را چنین رد می‌کند که اگر خود محمد آن عبارات را تکرار کرده بود نباید تکرارهای مکی-مدنی نسبت به دو صنف تکرار دیگر یعنی مکی-مکی و مدنی-مدنی اینقدر کم باشد. به نظر او اینکه محمد (جز در مواردی بسیار معدود و قابل اغماض) عبارات موجود در سوره‌های مکی را دوباره فقط در سوره‌های مکی، و عبارات موجود در سوره‌های مدنی را فقط در سوره‌های مدنی استفاده کرده است محل پرسش جدی است و اینکه «هجرت» از محمد شخصیتی نو ساخته، یا او ترجیح داده است که شخصیتی کاملاً متفاوت از خود در مدینه نشان بدهد، یا اینکه شاید او عبارات سوره‌های مکی را فراموش کرده است، نمی‌توانند پاسخی برای پرسش بالا باشند.

۲- نتیجه دخالت ویراستاران بعدی باشد که قرآن را از دو نسخه کتبی مکی و مدنی گردآوری و به جهاتی، بعضی از عبارات را تکرار کرده‌اند.

- وی به شماری از پژوهش‌های ادبی بر روی متن قرآن اشاره می‌کند، مثل آنچه آنجیلیکا نیورت و نیکولای ساینای انجام داده‌اند تا نقش پررنگ «ویرایش» در تدوین متن نهایی قرآن را نشان دهند. مثلاً گفته‌اند که آیه‌هایی همچون مزمل: ۲۰ یا مدثر: ۳۱ در زمانه حضور پیامبر در مدینه در سوره‌های مکی اضافه شده‌اند. بعلاوه، پژوهش‌های نیورت و ساینای از وجود ساختارهای لایه‌لایه و پیچیده ویرایشی در سوره‌های بلند مدنی (یعنی بقره تا مائده) خبر می‌دهند.

- وی همچنین می‌کوشد ضمن ارائه بعضی نمونه‌ها، انگیزه‌های ویراستاران از تکرار آیه‌ای در محلی دیگر غیر از مورد نزولش را آشکار کند. او برای نمونه، دوتایی مدنی-مدنی (البقره: ۶۲ و المائده: ۶۹) را بررسی می‌کند که می‌گوید: «هر آن کس از مؤمنان و یهودیان و

نصارا و صابئین که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد پاداش خود را از پروردگارش دریافت خواهدکرد و خوف و حزنی نخواهد داشت» و ادامه می‌دهد: بقره نخستین سوره مَدَنی و مائده آخرین سوره مَدَنی با ۱۰ سال اختلاف زمانی است، اما عبارت مائده: ۶۹ به هیچ وجه با موضع‌گیری‌های دیگرِ مُحَمَّد و قرآن در همان سوره درباره یهودیان و مسیحیان مطابقت ندارد. چون در سرتاسر این سوره، بارها اهل کتاب مورد حمله و طعن و تهدید واقع شده‌اند. آنگاه این احتمال را مطرح می‌کند که ویراستاران قرآن بعداً برای تلطیف جو سوره مائده، این آیه را در محل آیه ۶۹ این سوره تکرار کرده‌اند تا اندکی شدت‌های این سوره علیه اهل کتاب را رقیق کنند.

رینولدز هرچند در نهایت، نتیجه تحقیق خود درباره دوتایی‌های قرآن را به نفع این دیدگاه سوق می‌دهد که تکرار، حاصل دخالت ویراستاران متأخر است، در عین حال اظهار می‌کند که دوتایی‌ها نشان می‌دهند که از متنی مکتوب وام گرفته شده‌اند و به دلیل طولانی بودن، نمی‌توانند تکرار قالب‌های زبانی شفاهی باشند و بنابراین، رسمی‌سازی قرآن با استفاده از دو منبع مکتوب مکی و مدنی انجام گرفته است؛ یعنی دوتایی‌های تکرار شونده در قرآن عباراتی نیستند که در موقعیت‌های متفاوت صرفاً به‌طور تصادفی یا عالماً و عامداً تکرار شده‌اند (یا دوباره وحی شده‌اند)؛ بلکه محصول فرآیند ویرایش‌گری متن قرآن هستند. بخشی از پیکره متنی قرآن پیش از رسمی‌شدگی احتمالاً در دو منبع مستقل از یکدیگر موجود بوده است: منبع مکی و منبع مدنی. بسامد بسیار اندک دوتایی‌های مکی-مَدَنی استقلال این دو زیرپیکره‌متنی (subcorpus) از یکدیگر را نشان می‌دهد. دوتایی‌های قرآنی و پراکندگی آن‌ها می‌توانند نشان‌دهنده نوع خاصی از فرآیند تدوین مبتنی بر متن مکتوب و ویرایش‌های متن‌های از پیش موجودی باشند که به تولید متن رسمی قرآن (احتمالاً در زمان خلیفه سوم، عثمان) انجامیده است. بر این اساس، از نظر او مراحل تولید تا رسمی شدن قرآن را می‌توان این‌گونه دانست:

آ. مرحله تدوین شفاهی (یا احتمالاً کتبی) خطبه‌ها و موعظه‌ها؛

ب. شکل‌گیری دو زیرپیکره متنی مکی و مَدَنی مستقل از یکدیگر؛

ج. ویرایش منابع متنی مکی و مَدَنی و دیگر منابع موجود برای تدوین قرآن رسمی با افزوده‌ها و کاستن‌ها.

نتیجه نهایی این است که قرآن رسمی ویراست پسینی دو متن نوشتاری پیشینی مکی و مدنی است و کلام خالص محمد نیست؛ چه رسد به آنکه وحی الهی بوده باشد.

گفتار دوم: ملاحظات وارد بر طرح رینولدز

کوشش رینولدز در پیشبرد طرحی آکادمیک نسبت به تکرارهای قرآن از جهات مختلف جای تمجید دارد که شاید مهم‌ترین وجه آن، بر خلاف بسیاری از پژوهش‌های قرآن‌محور مشابه، داشتن اسلوبی آکادمیک با طرح سه احتمال و تضعیف دو تا از آن‌ها و تقویت وجه سوم با اقامه شواهدی بر آن است. اما از نظرگاه آکادمیک، این طرح اشکالات روشی و محتوایی متعدد دارد. در این قسمت ابتدا از اشکالات روشی درونی پژوهش وی و سپس از پیش‌فرض‌ها، مبانی و محتواهای فاقد اعتبار آن سخن خواهد رفت.

۱- اشکالات درونی

رینولدز نمونه‌هایی از دوتایی‌های قرآن را برای پیش‌برد فرضیه خود انتخاب کرده و معیار این انتخاب را آشکارا توضیح داده است. اما دقت در موارد انتخاب شده نشان می‌دهد که وی به شروط خود پای‌بند نمانده و تحقیق از این نظر سست است.

۱-۱- عدم پای‌بندی به معیار

معیار رینولدز برای تشخیص عبارات تکرارشونده در قرآن این است: دو عبارت که دست‌کم ۹ واژه یا بُن‌واژه یکسان داشته باشند و تنها حداکثر در یک واژه با یکدیگر متفاوت باشند، یا در حرکت آخر کلمه اختلاف داشته باشند یا ترتیب حداکثر دو واژه پس‌وپیش باشد.^۱ اشکال این است که اولاً در برخی موارد، دوتایی مدنظر به جای اختلاف در یک کلمه، در یک عبارت اختلاف دارند. ثانیاً گاه دوتایی‌ها در بیش از یک کلمه اختلاف دارند. به دو مثال زیر توجه شود:

- در شماره ۱ از جدول مکی - مدنی یعنی دوتایی البقره: ۳۵ و الاعراف: ۱۹ صرفنظر از اختلاف در حروف و ضمائر، دو واژه «قُلْنَا» و «رَعَدًا» تنها در آیه سوره بقره آمده است.

- در شماره ۱۲ از جدول مکی - مکی، یعنی دوتایی الاعراف: ۲۲ و طه: ۱۲۱، عبارت «لَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ» که بیش از یک واژه دارد تنها در آیه سوره اعراف آمده است.

۱-۲- عدم فراگیری نسبت به همه دوتایی‌های واجد شرایط

چنانچه جدول رینولدز همه دوتایی‌های واجد شرایط را پوشش دهد، نسبت دوتایی‌های مکی - مدنی به کل دوتایی‌ها، متفاوت و فرضیه با اشکال جدی مواجه می‌شود. طبق نمونه‌های رینولدز،

1. "To establish my list of doublets I looked for two corresponding passages of at least nine words or lemmata, allowing for variation of a single word, a difference in case, or the reverse order of two words within the passages." (Reynolds, 2020: 11)

نسبت مکی-مدنی‌ها به مجموع، ۳ به ۲۹ یعنی حدود ۱۰ درصد و به نظر او قابل چشم‌پوشی است. او فرضیه را بر اساس ۹۰ درصد نمونه‌ها سامان داده است در حالی که این نسبت واقعاً بسیار بیشتر و بین حدود ۲۸ تا ۳۲ درصد است. چنین درصدی را نمی‌شود از نمونه‌ها بیرون گذاشت و بر اساس باقی‌مانده، فرضیه‌ای سامان داد.

شروط رینولدز از جهاتی ابهام دارد، از جمله اینکه تعداد واژه یا بن‌واژه‌های مورد نظر با احتساب موارد اختلاف است یا بدون آن و آیا معیار اختلاف یک کلمه است یا یک عبارت؟ با این حال، دست‌کم ۱۴ دوتایی دیگر وجود دارد که در هر صورت مطابق معیار اوست و از بین آن‌ها ۹ مورد، مکی-مدنی است. در این صورت نسبت دوتایی‌های مکی-مدنی به کل دوتایی‌ها، ۲۷/۹ درصد خواهد بود.

همچنین اگر به جای عدد ۹ برای واژه یا بن‌واژه یکسان، عدد ۸ را در نظر بگیریم، دست‌کم ۷ دوتایی دیگر به موارد افزوده می‌شود که ۴ مورد آن‌ها مکی-مدنی است و نسبت دوتایی‌های مکی-مدنی به کل دوتایی‌ها، ۳۲ درصد خواهد شد.

همانطور که گفته شد، افزون بر مواردی که در جدول رینولدز آمده است، دست‌کم ۱۴ دوتایی دیگر وجود دارد که منطبق بر معیار او در تعیین دوتایی‌هاست. از این میان ۹ دوتایی مکی-مدنی، ۲ دوتایی مکی-مکی و ۳ دوتایی (سه‌تایی) مدنی-مدنی است. دوتایی‌های مکی-مدنی عبارتند از: البقره: ۵ و لقمان: ۵، البقره: ۳۶ و الاعراف: ۲۴، البقره: ۵۸ و الاعراف: ۱۶۱، البقره: ۵۹ و الاعراف: ۱۶۲، البقره: ۱۲۰ و الرعد: ۳۷، البقره: ۱۱۷ و لقمان: ۲۱، آل عمران: ۴۰ و

۱. أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

۲. أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

۳. وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

۴. قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

۵. وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنُرِيدُ الْمُحْسِنِينَ

۶. وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنُرِيدُ الْمُحْسِنِينَ

۷. فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ

۸. فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ

۹. وَلَمَّا اتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

۱۰. وَلَمَّا اتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ

۱۱. وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا

۱۲. وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا

۱۳. قَالَ رَبِّ إِنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَّابِكِ اللَّهُ يُفَعِّلُ مَا يَشَاءُ

دوتایی‌های قرآنی و فرضیه ویرایش متأخر قرآن رسمی... / اخوان صراف ۱۷۵

مریم: ۸، الحج: ۶۲ و لقمان: ۳۰، محمد: ۱۰ و یوسف: ۱۰۹.

دوتایی (سه‌تایی) های مکی - مکی عبارتند از: الکهف: ۱۱۰ و فصلت: ۶ و الروم: ۳۷ و الزمر: ۵۲ و المؤمنون: ۸۲ و الصافات: ۱۶ و الواقعة: ۴۷ و دوتایی (سه‌تایی) های مدنی - مدنی عبارتند از: آل عمران: ۸۹ و النور: ۵، الحج: ۱۴ و الحج: ۲۳ و محمد: ۱۲.

همچنین اگر در معیار تشخیص دوتایی‌ها، برای تعداد واژه یا بن‌واژه یکسان، به جای عدد ۹، عدد ۸ لحاظ شود، ۷ دوتایی دیگر هم به جدول افزوده می‌شود که از میان آن‌ها ۴ دوتایی مکی - مدنی است. (آل عمران: ۴۴ و یوسف: ۱۰۲، غافر: ۲۲ و التغابن: ۶ و البقره: ۳۴ و ص: ۷۴ و الحج: ۲۲ و السجده: ۲۰) و سه دوتایی (سه‌تایی) مکی - مکی است. (المؤمنون: ۸۳ و النمل: ۶۸ و النحل: ۷۲ و العنکبوت: ۶۷، هود: ۹۶ و غافر: ۲۳ و المؤمنون: ۴۵).

۲- اشکالات بیرونی

۲-۱- قیاس ناپذیری قرآن با عهد جدید در تدوین

پژوهش رینولدز با ارجاع به انجیل و تاریخ انجیل و تحقیق در دوتایی‌های آن شروع می‌شود. بنابراین ظاهراً چهارچوب تئوریک او از آن تحقیقات الگو گرفته است. حال آنکه بر اساس نظر دانشمندان سنتی و مدرن، سبک قرآن با سبک انجیل متفاوت است و تاریخ جمع‌آوری و تدوین قرآن با تاریخ تدوین انجیل فرق می‌کند. به نظر می‌رسد متن قرآن نسبت به نحوه به وجود آمدنش به عنوان یک متن، خودآگاه است و این در مورد انجیل وجود ندارد. لذا رینولدز باید توضیح دهد چطور با این تفاوت‌ها، باز فکر می‌کند آن روش‌ها در قرآن قابل پیاده‌سازی است؟ استفاده از همان فرضیات برای قرآن با توجه به سبک متفاوت قرآن و تاریخ متفاوت آن جای سؤال جدی دارد. یعنی این ایده همچون بسیاری از مطالعات محققان غربی در پی تطبیق یا تحمیل تحولات و مدل‌های رخ داده در تاریخ غرب و مسیحیت، بر اسلام و قرآن است. مثلاً، چون احتمال استفاده اناجیلی چون لوقا و متی از منبع مشترکی به نام Q وجود دارد، پس حتماً پاره‌های قرآن بنا به منابع متعددی کنار هم گذاشته شده‌اند و دابل‌ها (مکررها) شاهد این اقتباس و تنظیم متأخر است. صرف یک شباهت یا یک حدس تاریخی، آن هم بر پایه مدلی که مثلاً در مورد کتاب مقدس اثبات

۱. قَالَ رَبِّ أُنَبِّئْ لِي غَلْمٌ وَ كَاتِبٌ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَ قَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا
۲. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنْ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ
۳. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنْ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ
۴. أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
۵. أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

یا پیاده شده است، برای این تعمیم کافی نیست. در مورد قرآن کریم شواهد قطعی برون دینی وجود دارد که اصل متن، در عصر رسول خدا (ص) تدوین شده و بحث بر سر اختلافات ناچیز در شیوه خواندن آن متن بوده است و مسلمانان نسبت به همان اختلافات ناچیز بسیار حساسیت داشتند. حال آنکه در مورد کتاب مقدس، مسلم است که کتاب از چند نوشته پیشینی فراهم شده است.

یعنی در مورد قرآن، متن اولیه موجود بوده و بحث اختلاف‌های قرآن طبق تواریخ قدیم مربوط به چگونه خواندن متن مدون است، نه تدوین متن از روی متنی دیگر.

۲-۲- عدم توجه به اصیل بودن تکرار در قرآن

کلید حل معمای چگونگی تدوین و تألیف و رسمی‌سازی قرآن در طرح رینولدز، پدیده تکرار است. گویی اصل در همه متون، از جمله متنی انگیزشی و مقدس، منحصر به فرد بودن بیان‌ها است و این تکرار است که باید سبب آن جستجو شود. این امر خلاف اسلوب بسیاری از متون، از جمله قرآن است. آشنایی مقدماتی با قرآن کریم آشکار می‌کند که در این کتاب، تکرار، امری اصیل است و ناخواسته و عارضی نیست تا از علت این عارضه جستجو شود. فلذا وجود دوتایی در قرآن ربطی به مرحله جمع و تدوین ندارد و باید آن را به تکرار ثبانی بودن این کتاب در ابلاغ پیام خود مربوط دانست. نگاهی کلی به این کتاب به خوبی آشکار می‌کند که انگیزش و القا و تأکید، مخصوصاً در باب مقاصد اصلی مثل توحید، از جمله به واسطه تکرار تحقق می‌پذیرد و به اسبابی چون اقتضای تفهیم به مخاطب و بافت آیه یا واژه‌پردازی بهتر برای ابلاغ کلام یا تحلیل‌های بلاغی دیگر، در جهت منظوری که برای متکلم و حیانی اهمیت داشته، مربوط است. از این گذشته، باید توجه داشت آنچه که وجود آن در یک متن اشکال دارد و قابل پیگیری است، تناقض است نه تشابه و هماهنگی. موارد ذیل از جمله شواهد اصیل بودن تکرار در قرآن هستند:

۱-۲-۲- تصریح خود قرآن کریم

در قرآن کریم، تصریح شده که قرآن، کتابی دارای تکرار و دو دویی است: **اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي** (زمر: ۲۳) در ترجمه انگلیسی ایروینگ از قرآن کریم، این عبارت اینگونه ترجمه شده است:

God has sent down the finest report in a consistently (similar) duplicated Book (Ballantyne, 2001:461)

پس وجود دوتایی‌ها حساب شده و تعمدی از مصدر وحی است.

باید توجه داشت که درست خواندن پدیده تکرار نیازمند ملاحظه همه انواع تکرار است. اگر بنا بر به دست آوردن اسلوب این کتاب باشد، نمی‌توان موارد ترجیع‌بندی مانند تکرارهای سوره‌مرسلات،

دوتایی‌های قرآنی و فرضیه ویرایش متأخر قرآن رسمی... / اخوان صراف ۱۷۷

قمر و الرحمن را به این عنوان که نظم ادبی هستند و موارد کمتر از ۹ کلمه را چون فرمولاسیون شفاهی هستند، خارج نمود و صدها مورد تکرار دیگر بدون شرط تنگ رینولدز (که کنار هم یا جدا از هم هستند) را کنار گذاشت و فرضیه شکل داد؛ بلکه باید همه این موارد با هم ملاحظه شود.

۲-۲-۲- شواهد تاریخی تکرار نزول بعضی از قطعات و آیات

دانش اسباب النزول و مستندات مربوطه، نزول آیه یا بسته‌های نزول را به رویدادها و مناسبت‌هایی پیوند می‌زند که در پی آنها، آیات نازل شده‌اند. برای عمده آیات و قطعات تکراری، رخدادی که سبب نزول هریک از موارد تکرار است به وجهی معتبر و با معیارهای علمی، معین است و لذا واضح است که قطعه مدنظر بیش از یک بار به مناسبت‌های مختلف فرود آمده است. برای مثال در دوتایی مکی - مدنی بقره: ۱۷۱ و لقمان: ۲۱، ذیل آیه ۱۷۱ سوره بقره از ابن عباس نقل شده است که پیامبر (ص)، یهود را به دین اسلام دعوت کرد. آنان در پاسخ گفتند ما از پدران خود که از ما داناتر بودند پیروی می‌کنیم و از دین پدران خود هرگز دست بر نمی‌داریم، در این حال این آیه نازل گردید. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۶۶۱) و درباره آیه ۲۱ سوره لقمان گفته‌اند درباره نضیرین حارث، پسر خاله پیامبر (ص) و از مشرکین سرسخت، نازل شده است که پیامبر (ص) به او فرمود از آنچه پروردگارت بر تو نازل کرده پیروی کن؛ او گفت بلکه از آنچه پدرانم را بر آن یافتم تبعیت می‌کنم. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲/۹۷۱) این دو سبب نزول متفاوت، نمونه واضحی از تکرار نزول دوتایی مذکور است.

پدیده تکرار نزول از نظر دانش قرآنی اسراری دارد که حتی به موارد ثبت مکتوب منحصر نیست. یعنی برخی از آیات به مناسبت مورد و به دلایلی که تفصیل آنها از حوصله این پژوهش خارج است، بیش از یک بار نازل شده‌اند، حتی با وجود این که در فرآیند تدوینی که به اشاره و ارشاد خود پیامبر (ص) انجام شده تنها در یک موضع ثبت شده باشد. عبارت‌هایی مانند «تکرار نزوله»، «نزلت مرتین» و «نزلت مرّة بعد اخری» در کتاب‌های تفسیر و علوم قرآنی نشان از این پدیده دارد.^۱ نیز بنا بر یک قول تفسیری، مراد از تعبیر «سبعاً من المثانی» در آیه ۸۷ سوره حجر، فاتحة الكتاب است که یک بار در مکه و یک بار در مدینه نازل شده است (قشیری، ۲۰۰۰: ۲/۲۸۰).

۲-۲-۳- دیدگاه‌ها و آثار مدون مسلمانان

عدم توجه به برداشت‌های محققان مسلمان از تکرار، پژوهش مورد بحث را از فضای واقعی به شدت دور و به انگاره‌هایی انتزاعی و بعید از واقع قرآن دچار کرده است. رینولدز در ارائه‌های دوم به بعد خود، در نهایت اسم یکی دو کتاب مثل الاتقان و البرهان را به مجموعه منابع پژوهشی

۱. سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/۱۴۰.

خود افزود،^۱ حال آنکه مسلمانان ده‌ها اثر بسیار دقیق درباره «متشابه القرآن» مانند «متشابه القرآن العظیم» احمد بن ابی داود المنادی (م ۳۳۶ ه.ق.)، «دره التنزیل» خطیب اسکافی (م ۴۲۰ ه.ق) و «البرهان فی (توجیه) متشابه القرآن»، نوشته محمود بن حمزه کرمانی (م ۵۰۵ ه.ق.)، یا بحث‌هایی چون اقسام التکرار، اسرار التکرار و... به‌عنوان نوشتارهایی مستقل یا ضمن ابواب آثار قرآن و تفسیر پژوهی تدوین کرده‌اند که اگر به آن‌ها مراجعه شود، نکات ریز همان تکرارها مثلاً تفاوت‌ها، علت تکرار و اینکه چرا مثلاً یک قطعه قرآنی در سیاقی دیگر هم فرود آمده، آشکار خواهد شد. در این باره، اسبابی از جمله تذکر و یادآوری نعمت‌ها، هشدار و تهدید مؤثر خلاف کاران^۲، فرهنگ‌سازی^۳، اتمام حجت^۴، نهادینه شدن و انس بیشتر، وحدت هدف و شیوه از زبان پیامبران^۵ در آثار محققان مسلمان به تفصیل بررسی شده است.

در تراث اسلامی، ابوابی مفصل در راز تکرار فراهم آمده است و هر فرضیه‌ای برای غیر اصیل بودن تکرار باید با توجه به همه آن‌ها و عبور مستدل از آن‌ها، سامان یابد. کتاب «شبهات و ردود» محمد هادی معرفت (م ۱۳۸۵ ه.ش) در دوران حاضر، امثال اتقان سیوطی (م ۹۱۱ ه.ق) در دوران میانه و متون متشابه القرآن در دوران متقدم که به بعضی از آن‌ها اشاره شد، از جمله آثاری هستند که به بیان علت و راز تکرارها پرداخته‌اند. بنابراین مسأله تکرار نزد مسلمانان از دیرباز به‌عنوان رکن و اسلوبی اصیل در بیان این کتاب جا افتاده و پذیرفته شده و در قدیمی‌ترین منابع به تفصیل از دلایل تکرار سخن گفته شده است. مثلاً گفته‌اند آیه «وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» ده بار در سوره مرسلات تکرار شده، اما هر کدام بعد از آیه و بیانی تازه آمده است و تشویق یا تهدید اگر با بسط بیشتری بیان شود اثر بخش‌تر خواهد بود.^۶ در وجه تکرار ۳۱ باره آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» در سوره الرحمن نیز گفته شده که هشت مورد آن بعد از آیاتی است که شگفتی‌های خلقت و آغاز و انجام در آن‌ها ذکر شده، هفت مورد آن بعد از ذکر آتش دوزخ و سختی‌های آن است (به عدد ابواب جهنم)، هشت مورد بعد از آیات وصف بهشت و اهل آن است (به عدد ابواب بهشت) و هشت مورد آخر بعد از ذکر دو بهشت دیگر (وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ) است.^۷

۱. نشست ۱۶۶م انجمن مباحثات قرآنی که در تاریخ ۳۰ تیر ماه ۱۴۰۰ برگزار شد. نک:

دسترسی در ۲۳/۶/۱۴۰۰ در https://t.me/Anjoman_MobaheSat_Archive/646.1400/6/23

۲. مثل «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»، الرحمن.

۳. مثل «وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ»، مرسلات.

۴. مثل «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

۵. مثل «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْرِكٍ»، قمر.

۶. مثل «فَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا»، شعراء.

۷. نک: کرمانی، ۱۴۱۸، ۳۲۰.

۸. نک: کرمانی، ۱۴۱۸، ۳۰۶.

دوتایی‌های قرآنی و فرضیه ویرایش متأخر قرآن رسمی... / اخوان صراف ۱۷۹

۴-۲-۲- وجود تکرار در نسخه‌های بسیار قدیم قرآن

تلاش‌هایی علمی که برای تعیین تاریخ نگارش بخش‌هایی از نسخه‌های قرآن‌های قدیم انجام شده، نیز مواردی چون مجموعه دست‌نوشته‌های کشف شده در مسجد جامع صنعاً^۱ که به قرون اولیه اسلام مربوط است، همچنین اطلاعاتی اجمالی اما معتبر که از مصاحف الصحابه^۲ نگاشته شده در دهه‌های اول در دست است، مشتمل بر مواردی از تکرار در نسخه‌های اولیه است و در مجموع، انگاره ربط تکرار به ویرایش‌های متأخر قرآن را مخدوش می‌کند.

۳-۲- بی توجهی به بستر نقل شفاهی قرآن

طبق شواهد تاریخی قطعی و نیز مجموعه‌های عظیم قابل اعتماد اجازات قرائت مسلمانان، قرآن از همان ابتدا بستر نقل شفاهی داشته است. قرآن پیامی گفتاری است که بر بستر جمهیری از صدر اول در صدور رجال حمل شده است. یعنی مسلمانان آنچه را از پیامبر (ص) شنیده‌اند، با نقل شفاهی، که اجازات موجود تا پیامبر شاهد آن است، حرف به حرف و نسل به نسل منتقل کرده‌اند. بنابراین مطالعات نسخه‌شناسی گرچه در مورد کتاب مقدس، از این جهت سودمند است که متون بیبلیکال توسط انجیل‌نویسان از روی نسخه‌های قدیمی‌تر نگارش یافته و سپس یک متن رسمی تولید شده است، در مورد قرآن که نسخه‌برداری از نسخه‌های مکتوب پیشین نیست، کارایی ندارد. نقل قرآن، شفاهی بوده است و نوشته مکتوب آن از صدور رجال تهیه شده و حتی تا به امروز هم اعتبار به همان منقولات شفاهی اجازه‌دار سینه به سینه است که منشأ نگارش مصاحف کتبی است. پس مطالعه منشأ تدوین قرآن از اساس با آن روش‌ها بیگانه است؛ چون قرآن مکتوبی لاحق از نوشتاری سابق نیست. پاره‌ای شواهد این مدعا عبارتند از:

۱-۳-۲- نصوص قرآنی و روایی

- در بعضی از آیات قرآن، آوایی بودن، خواندنی و شنیدنی بودن آن تصریح شده است. مثلاً: «قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا» (الجن: ۱) با توجه به اینکه در این آیه سخن از استماع است، به نظر می‌رسد «قرآناً عجباً» متنی خواندنی، آوایی و شنیدنی بوده است.

- در پاره‌ای دیگر از آیات آمده است که پیامبر (ص) وظیفه دارد قرآن را بر مردم بخواند. مثلاً «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً» (المزمل: ۴) یا «تَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا» (القصص: ۴۵).

۱. نک: صادقی و گودرزی، ۲۰۱۲: ۱-۱۲۹.

۲. نک: الطاسان، ۲۰۱۳؛ نبود دوتایی‌ها در بین اختلافات موجود در مصاحف الصحابه و اختلاف آن‌ها با مصحف رسمی نشان می‌دهد آیات تکرار شده در مصاحف الصحابه موجود بوده است.

- امر به خواندن قرآن مختص به پیامبر (ص) نیست. مخاطبان این کتاب هم بر اساس آیاتی از قرآن کریم و توصیه‌هایی که در سنت پیامبر آمده، موظف‌اند این کتاب را بخوانند، مانند: «فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (المزمل: ۲۰).

۲-۳-۲- تصریحات علمای اسلام

در ابواب مختلف، در کلام علمای علوم قرآن و مفسران و فقیهان، خواندنی بودن این متن بارز و مورد تأکید است:

- از نظر علامه بلاغی (۱۳۵۲م) به دلیل تواتر، قرآن کریم بین عامه مسلمانان در هر دوره، از نظر ماده، صورت و قرائت آن بر یک روش استمرار یافته و هرگز چیزی بر ماده و صورت آن تأثیر نگذاشته و تواتر اولیه آن به طریق نقل شفاهی است.^۱

- علامه حلی وجه تمایز کتاب از سنت را خواندنی بودن اولی می‌داند: «و خرج به أيضا ما أنزل من الوحي على النبي صلى الله عليه وآله مما ليس بمتلو، فإنه ليس بكتاب» (حلی، ۱۴۲۵: ۳۳۲/۱).

- بعضی نیز قرآن را به معنای کتاب خوانده شده‌ای که از جانب خداوند فرود آمده تعریف نموده‌اند: «القرآن: والمراد به المقروء المنزل من عند الله -جل وعلا- المتلو المكتوب المسموع، هو كلام الله -جل وعلا- تكلم به و سمعه منه جبريل» (الخصير، بی تا: ۱۵/۵).

۳-۳-۲- اهمیت تلقی از استاد در سیره اسلامی

طبق شواهد تاریخی، مسلمانان نسبت به قرآن کریم و حفظ نمودن و اصالت دادن به آن، به نسبت مکتوباتی که در مورد قرآن، از جمله مصاحف، بوده است توجهی ویژه داشته‌اند و این اصالت در همه دوره‌های تاریخی اسلامی حفظ شده و یک حافظه تاریخی در میان مسلمانان در باره قرآن شکل گرفته است. حتی تا به امروز هم خواندن صحیح قرآن نیازمند آموزش است و آشنا بودن به زبان عربی لزوماً به منزله صحیح خواندن قرآن نیست. یعنی امر تلقی از استاد به صورت نامحسوس و غیررسمی در فراگیری روخوانی قرآن اجرا می‌شود. متون متداول عربی اعراب ندارند، پس نوع کتابت قرآن هم نشان می‌دهد که اصل در آن بر شفاهی و خواندنی بودن است و این کتاب در مرحله دوم و برای مکتوب نمودن آن امر شفاهی شکل گرفته است.

۴-۲- سوء فهم‌های تفسیری

پاره‌ای از شواهد و تأییداتی که رینولدز برای پیشبرد ایده خود ارائه کرده است، بر فهم و برداشت او از آیات و سوره‌ها استوار است، برداشت‌هایی که خطا در آنها، طرح را سست و از اثبات فرضیه

۱. نک: بلاغی، بی تا: ۳۰ / ۱.

دوتایی‌های قرآنی و فرضیه ویرایش متأخر قرآن رسمی... / اخوان صراف ۱۸۱

مورد نظر وی ناتوان می‌کند. مثلاً درباره دوتایی بقره: ۶۲ و مائده: ۶۹ که شاید اصلی‌ترین شاهد وی بر تأیید گزینه مد نظر او در مورد دوتایی‌ها یعنی دخالت‌های ویراستاران متأخر باشد، رینولدز معتقد است در آیه ۶۲ سوره بقره به اهل کتاب وعده بهشت داده شده، در حالی که در سوره مائده سخن از دوزخی بودن آنان است و او این را تناقض‌آمیز می‌بیند. آنگاه این را که سوره مائده نسبت به اهل کتاب موضع منفی دارد و لحن آیات این سوره مثلاً نسبت به یهود تند است، سبب آن می‌داند که ویراستاران بعدی ترجیح دهند محتوایی دلجویانه و امیدبخش که پیش‌تر در سوره بقره آیه ۶۲ آمده بود در این سوره، در مکان آیه ۶۹، جای دهند تا با وعده رستگاری به آنان، کدورت و شدت مضمون سوره تخفیف یابد.^۱ این نتیجه‌گیری مبتنی بر برداشت تفسیری نادرستی است چون:

- اولاً خداوند حتی به مسلمانان وعده قطعی رستگاری نداده است. حتی مؤمنان به این کتاب هم همواره بین خوف و رجا و بنا به تعبیری رستگاری در مه هستند؛ یعنی برای مسلمانان و یهود و نصاری همواره رستگاری و وعده بهشت مشروط به شروطی است.

- نیز اینکه باید میان سخن گفتن قرآن با یهود و نصاری پیشین و مخاطب این کتاب با معاصران فرق گذاشت. پس شدت موجود در پاره‌ای از آیات را نباید به روابط امروزی بین ادیانی تسری داد تا راهی برای تعدیل و تخفیف نیاز باشد. اگر این توجه موجود می‌بود دیدگاه رینولدز در نظر مثبت و منفی قرآن نسبت به اهل کتاب در مواضع مختلف قرآن، تعدیل می‌شد.

- از نظر مفسران مسلمان، ادعای منفی بودن فضای سوره مائده نسبت به اهل کتاب نادرست است؛ چرا که بعضی از آیات آن نسبت به اهل کتاب بسیار مثبت هستند و نیز اینکه دو آیه مورد بحث مربوط به ابتدای هجرت و بیانگر یک اصل است که اگر یهودی و مسیحی هم عمل صالح انجام دهند رستگار خواهند بود.

- برای پرهیز از چیزی که وی به‌درستی exegetic atomism می‌نامد، خوب است اولاً آیاتی که تفاوت سطح و استثنائات یهود و نصاری را ذکر می‌کند، با تعابیری مثل «لَيْسُوا سَوَاءً» در آیه ۱۱۳ سوره آل عمران، ملاحظه شود؛ آنگاه بین آیاتی که به صورت مستقیم با یهود و نصاری زمان پیامبر (ص) صحبت می‌کند و آن‌هایی که مربوط به قبل ایشان است تمایز قائل شویم.

بر اساس آنچه گفتیم، از پژوهشی که بر اساس چنین برداشت‌هایی از قرآن کریم پیش برود نمی‌توان انتظار نتایج دقیقی داشت.

نتیجه گیری

۱- بررسی منشأ قرآن و کیفیت تدوین و رسمی سازی آن، مخصوصاً در دهه های اخیر، در مجموعه پژوهش های قرآنی محققان غربی بسیار پربرگ و بار است. آن ها در سوی مقابل پژوهشگران قرآن باور، که تألیف و تدوین قرآن را به خود عهد رسول الله (ص) مربوط می کنند و برای متن موجود قرآن، اصالت قائل هستند، ایده های مخالف را از جهات مختلف به چالش گرفته اند. فرضیه گابریل سعید رینولدز از جمله جدیدترین ایده ها در این موضوع است که پژوهش حاضر به شرح و بررسی آن پرداخته است.

۲- در تحقیقات مدرن نسبت به کیفیت تدوین عهد جدید سه ایده هارمونیک، چندمنبعی و ویرایشی مطرح است که هر کدام طرفدارانی دارد و از آن میان، رینولدز به رویکرد دو منبعی بودن عهد جدید توجهی ویژه دارد.

۳- برای پی جویی منشأ پیدایش متن فعلی قرآن، رینولدز با قیاس به مطالعات جدید درباره کتاب مقدس، با تمرکز بر دوتایی ها یا عبارات تکرارشونده قرآن که شرایط خاصی دارند، مصحف موجود میان مسلمانان را محصول ویراستاری متأخر از متن مکتوبی می داند که از دو مکتوب پیشینی مکی و مدنی فراهم آمده است؛ یعنی در توضیح منشأ پیدایش متن فعلی، به نوعی دو ایده از سه ایده فوق را تلفیق می کند.

۴- پژوهش حاضر با آشکار کردن خطاهای روشی رینولدز و عدول وی از معیارهای علمی خودش، اعتبار علمی این پژوهش را از چند جنبه زیر سؤال می برد:

- نمونه های رینولدز شرط خودش را ندارد؛

- نمونه های بسیار بیشتری در قرآن وجود دارد که شرط رینولدز را دارد و وی از آن ها غفلت کرده است؛

- تعدیل و تصحیح نمونه ها، با تغییر در نسبت مکررهای مرکب، که بعضی مکی و بعضی مدنی هستند، نسبت به مکررهای یکدست، که مثلاً هر دو مدنی یا هر دو مکی هستند، تئوری رینولدز را مخدوش می کند؛ چون اساس طرد احتمال نزول مجدد، یعنی اینکه خود پیامبر (ص) به وحی عبارتی را بیش از یک بار خوانده باشد، از نظر او بر ناچیز بودن تعداد مکررهای مرکب استوار است و با تغییر نسبت و نفی این امر، نتیجه پژوهش به نفع ایده وی پیش نخواهد رفت.

دوتایی‌های قرآنی و فرضیه ویرایش متأخر قرآن رسمی... / اخوان صراف ۱۸۳

- شرایطی که رینولدز برای نمونه‌ها قرار داده است ضابطه و منطق خاصی ندارد؛ مثلاً اگر به عبارات ۹ کلمه‌ای، عباراتی ۸ کلمه‌ای را هم بیفزاید، نتایج آنچنان دگرگون می‌شود که دیگر به کار پیشبرد طرح وی نخواهد آمد.

۵- پژوهش حاضر در اصلی‌ترین بخش خود، برخی مبانی درنگ‌آور این طرح را آشکار می‌کند. از جمله:

- قیاس‌ناپذیری قرآن با عهد جدید از جهات متعدد و در نتیجه عقیم بودن تعمیم روش‌های تحقیقی عهد جدید بر قرآن کریم؛

- اینکه تکرار از خصیصه‌های اصیل قرآن کریم است، و امری عارضی و ناخواسته نیست تا بتواند به کار پیگیری منشأ تألیف قرآن بیاید. بلکه قرآن کریم با علل و دلایلی که بسیاری از آن‌ها شناخته شده است، تعمداً متنی تکرار‌بنیان است؛

- اینکه با شواهد متقن و قطعی، از جمله اجازات قرائت که حتی تا روزگار ما در مجامع قرآنی حائز اهمیت و اعتبار ویژه است - و از جمله نگارنده صاحب اجازه شفاهی متصل تا پیامبر از دارالقرآن الازهر مصر است -، مصحف حاضر بر بستر جماهیری با نقل شفاهی و سینه به سینه از طریق قرائات اجازه‌دار به روزگار حاضر رسیده و آنچه در آن اصیل و مورد تأکید است، قرائت است نه کتابت. بنابراین، هر ایده‌ای که تدوین قرآن را با تحقیقاتی کتابت‌محور بررسی کند، بایستی پیش‌تر، به این اندیشه مدلل و مستند قرآن‌باوران پرداخته، آن را رد کرده و آنگاه از آن عبور کرده باشد؛

- نقیصه بسیار تأثیرگذار، غفلت از توضیحات و دیدگاه‌های قرآن‌شناسان مسلمان است که بعضاً پژوهش را ضمن گرفتاری در تکلف بسیار، به کلی به بیراهه کشانده است در حالی که توضیحات موجود در آثار مسلمانان به‌خوبی می‌توانست ایده علمی را به سمت واقعی‌تری هدایت کند؛

- نادرستی شواهد آیات، به‌خاطر سوء فهم‌های تفسیری، غیرعلمی بودن این طرح و ضرورت جدی بازبینی آن را آشکار می‌کند.

۶- دکتر گابریل سعید رینولدز قرآن‌پژوه سخت‌کوش و خوش‌برخورد هم‌روزگار ما، ضمن تلاش برای پاسخگویی به بسیاری از این اشکالات، در آخرین مکاتباتش با نگارنده اظهار نموده که با توجه به برخی از اشکالات فوق و مخصوصاً اینکه بسیاری از دوتایی‌های

مکی-مدنی از قصص قرآن هستند، تردید می‌کند که شاید به جای اختراع فرمولی برای doublets، باید به dualities نگاه کند. وی می‌نویسد ملاک ۹ کلمه را انتخاب کرده تا به انتقال کتبی و نه شفاهی قرآن برسد که پاسخی هم به کار بنیستر باشد که به انتقال شفاهی قرآن اعتقاد دارد، و خلاصه می‌کند که باید برای ادامه کار فکر کند و در صدد بازبینی این ایده است و چه بسا تمرکز تحقیق را از عبارات تکراری به توزیع کلمات مکی، مدنی و مکی-مدنی قرآن توسعه دهد.

۷- همه اینها آشکار می‌کند که این طرح تا کنون، یافته قابل اعتمادی در باب تدوین قرآن ندارد، نتیجه‌ای که شاید مآل بررسی‌های عموم پژوهش‌هایی از این دست باشد.

دوتایی‌های قرآنی و فرضیه ویرایش متأخر قرآن رسمی... / اخوان صراف ۱۸۵

کتاب‌نامه

کتاب و مقالات

الف-۱: فارسی

- قرآن کریم.

اخوان صراف، زهرا (۱۳۸۸)، «آسیب‌شناسی مطالعات قرآنی خاورشناسان»، فصلنامه مشکوة، شماره ۸۱، صص ۴-۱۶.

امینی، نوروز (۱۳۹۹)، «نقد نظر ونزبرو درباره تدوین قرآن در قرن سوم»، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۲۹، صص ۱۵۴-۱۲۰.

ربیع نتاج، علی اکبر (۱۳۹۱)، «بررسی دیدگاه خاورشناسان پیرامون مصادر قرآن»، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۲، صص ۱۱-۳۰.

گراهام، ویلیام (۱۳۹۲)، «ملاحظات بر کتاب مطالعات قرآنی»، ترجمه و گردآوری مرتضی کریمی‌نیا، مجموعه مقالات قرآن پژوهی غربیان، زبان قرآن، تفسیر قرآن، تهران: هرمس، صص ۲۲۰-۲۲۱.

موتسکی، هارالد (۱۳۹۲)، «جمع و تدوین قرآن: بازنگری دیدگاه‌های غربی در پرتو تحولات جدید روش‌شناختی»، ترجمه و گردآوری مرتضی کریمی‌نیا، مجموعه مقالات قرآن پژوهی غربیان، زبان قرآن، تفسیر قرآن، تهران: هرمس، صص ۲۵۲-۲۹۳.

الف - ۲: عربی

بلاغی، محمدجواد (بی‌تا)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، تحقیق بنیاد بعثت واحد تحقیقات اسلامی، ۱، چاپ اول، قم: وجدانی.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۵)، نهاية الوصول الی علم الاصول، ۱، چاپ اول، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱)، الإیتقان فی علوم القرآن، تحقیق فواز احمد زمزلی، بیروت: دارالکتب العربی.

قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۲۰۰۰)، لطائف الإشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم، تحقیق ابراهیم بسیونی، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

الطاسان، محمد بن عبدالرحمن (۲۰۱۳)، المصاحف المنسوبة للصحابة والرد علی الشبهات المثارة حولها، ریاض: دار التدمرية.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸)، الاصفی فی تفسیر القرآن، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

۱۸۶ دین و دنیاى معاصر / سال ۸ / شماره ۲ / پیاپی ۱۵ / صص ۱۶۵-۱۸۶

کرمانی، محمود بن حمزه (۱۴۱۸)، البرهان فی متشابه القرآن، تحقیق احمد خلف الله، المنصوره، مصر: دارالوفاء.

معرفت، محمدهادی (۱۴۲۳)، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، قم: مؤسسه فرهنگى انتشاراتى تمهید.

الف - ۳: لاتین

Amir-Moezzi, Mohammad Ali; Dye, Guillaume(2019). *Le Coran des historiens*. Paris: Les éditions du Cerf.

Anne-Sylvie Boisliveau(2020), "The Qur'an as a "Text and Commentary": A New Paradigm for Qur'anic Studies, 2020 Annual Meeting Program Book 2020 Annual Report, p. 7.

Dye, Guillaume. "Le Coran et le problème synoptique." *Composer, Écrire et transmettre le Coran au Premier siècle de l'islam*. Université de Lorraine. 6 February 2020.

Irving, Thomas Ballantyne(2001). *The Qur'an: Translation and Commentary*. 2nd Edition. International Publishing Co.

Reynolds, Gabriel Said(2020)."The Qur'ānic Doublets: A Preliminary Inquiry." *Journal of the International Qur'anic Studies Association*, Vol. 5, pp. 5-39.

Reynolds, Gabriel Said. *What might doublets in the Qur'an tell us about the origins of the Text?* The Institute for Advanced Studies in Levant Culture and Civilization Centre of Excellence of the World Academy of Art & Science. 24 February 2021.

Sadeghi, Behnam, Mohsen Goudarzi(2012). "Şan'ā' 1 and the origins of the Qur'ān," *Der Islam: Zeitschrift für Geschichte und Kultur des islamischen Orients*, Vol. 87i-ii pp. 1-129.

ب - وبسایت‌های اینترنتی

التعلیق علی تفسیر الجلالین (۲۰ / ۶ / ۱۴۰۰)، الشیخ عبدالکریم الخضیر، <http://lib.cfatwa.ir/46954/5/15> دسترسى در ۱۴۰۰/۶/۲۰.

نشست ۶۶ ام انجمن مباحثات قرآنى (۱۳۰۰/۴/۳۰)؛ آرشیو انجمن مباحثات قرآنى. دسترسى در ۱۴۰۰/۶/۲۳ https://t.me/Anjoman_Mobahesat_Archive/646